

اندیشه فرهنگی شادروان لایق شیرعلی

چشم» و «مرد راه» را نام برد. مجموعهٔ «مرد راه» که در سال ۱۳۵۱ خورشیدی (۱۹۷۲ میلادی) منتشر شد، از این نظر که با الهام از شاهنامه، آن هم در سال‌های اقتدار نظام بلشویکی سروده شده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شعر زیر، نمونه‌ای گویا از اندیشه فرهنگی شادروان لایق شیرعلی است.

تاجک و ایرانی و افغان چرا؟

تاجک و ایرانی و افغان چرا؟
ما، در این دنیا که از یک مادریم
روز و شب بیدار شمس خاوران
ما ز خواب آلودگان، خاوریم
حضرت «اقبال»، بر ما بد مگیر
ما اگر در خواب سخته، اندریم
خیز از خواب گران گفتمی، ولی
در سمرقند آن چنان، بی‌منبریم
در بخارایی که درگاه دری است
با دری گفتن، بیرون از دریم
نیست ملت را ز بس یک پارچه‌گی
پاره پاره، لقمه شور و شریم
ریزه ریزه، شرحه شرحه جسم و جان
بار ملت را کجاها می‌بریم؟
ما تماماً ناتمامیم، ای دریغ
آن نجیب‌المنظر بی‌منظیریم
کورهای کوره راهیم، آه آه
بر سر خود پای لغزش می‌خوریم
ما، کیانیم؟ از کیانیم؟ ای دریغ،
تاجداران، گدای افسریم
راه لایق شیرعلی پر رهرو

ه. ط.



- اصطلاح «تبر تقسیم» را تاجیکان برای مرزبندی‌هایی که در منطقه خوارزم و فرارود از سوی حاکمان شوروی انجام شد، به کار می‌برند. مفهوم آن تجزیه است.
- اقبال لاهوری و غزل معروف او خطاب به مردم شرق: از خواب گران خیز...
- لایق، کیان را نخست به عنوان چه کسانی به کار برده و در مرتبه دوم به عنوان «کیانیان».

شوروی بر روی حقایق تاریخ ملت‌های اسیر کشیده بودند، می‌درد و به سرچشمه حقیقت تاریخ راه می‌یابد. او، با افسوس و آه، از سرفرازی‌های از دست رفته در اثر پراکندگی‌های تحمیل شده بر مردمان ایران بزرگ، از خود و ما، می‌پرسد:
ما، کیانیم؟ از کیانیم، ای دریغ
تاج‌داران، گدای افسریم

در این‌جا، باید یک نکته را درباره شعر شاعران تاجیک، چه در سرزمین تاجیکستان، چه در ازبکستان و یا در جمهوری قرقیزستان و...، به یاد داشته باشیم. حاکمان شوروی، برای بلندتر کردن دیوار جدایی و یا ژرف تر کردن گودال تجزیه، خط مردمان خوارزم و فرارود و هم‌چنین منطقه آران را تغییر دادند. از سوی دیگر، آنان کوشیدند تا با دستکاری در «آوانگاری» خط جدیدی که بر تاجیکان تحمیل کرده بودند، میان زبان آن مردمان و دیگر فارسی‌زبانان فاصله افکنند. از این روست که در برخی اشعار شاعران تاجیک، قافیه‌ها از نظر ما سست می‌نماید. این امر، زاییده آوانگاری در خط کربل است، نه دلیل ضعف شاعر.

امروز، سخت جای «لایق» در میان مردم ما خالی است. امروز کدامین شاعر، در پهنه سرزمین‌های ایرانی، رسالت وی را به دوش خواهد کشید؟ این سخنان، پس از «لایق» از زبان کدام شاعر فارسی‌گوی، باید به گوش برسد: «... اگر ما می‌دانستیم که خاک اجداد ما، یعنی فرارودیان و ایرانیان امروز از یک سلسله است، به حرف آنهایی که ایران، افغانستان و تاجیکستان را مالک هم جوار می‌گویند، باور نمی‌کردیم.

●●●●

لایق شیرعلی، در سال ۱۳۲۰ خورشیدی (۱۹۴۱ میلادی) در روستای مزارشرف از توابع شهرستان پنج‌کند در جمهوری تاجیکستان به دنیا آمد. وی تحصیلات عالی را در سال ۱۳۴۲ (۱۹۶۳ میلادی) در دانشگاه دوشنبه به پایان برد. از سال ۱۳۴۵ (۱۹۶۶)، چند مجموعه از اشعار وی به چاپ رسید که از آن میان می‌توان به: «سرسبز»، «الهام»، «خاک وطن»، «ریزه باران»، «ورق سنگ»، «خانه»

لایق شیرعلی، یکی از بزرگ‌ترین شاعران ملی‌گرای زبان و ادب فارسی، روز دهم تیرماه سال جاری در شهر دوشنبه (پایتخت تاجیکستان)، درگذشت. بسیاری بر این باورند که لایق شیرعلی، در این زمینه از شعر معاصر فارسی، پهلو به پهلو شاعرانی چونان میرزاده عشقی، عارف، بهار، مهدی حمیدی، اخوان ثالث، نادر نادرپور، فریدون مشیری، توران بهرامی، و... (از ایران)، خلیل‌الله خلیلی، بیرنگ کوه دامنی و... (از افغانستان)، می‌زند. اما، آن‌چه در این میان به کار لایق شیرعلی، ارزش والایی می‌دهد، عبارت است از:

نخست آن‌که، او در اوج حاکمیت نظام بلشویکی، آن هم از دل یک جمهوری کوچک آسیایی، صدای ملی‌گرایی، سر می‌دهد و آن هم به زبان فارسی. از یاد نبریم که حاکمان شوروی، با به کارگیری سیاست «تبر تقسیم»^(۱) به گفته تاجیکان، با ایجاد مرزبندی‌های دروغین در سرزمین‌های خوارزم و فرارود، در پی زدودن زبان فارسی و در نتیجه مسخ شخصیت تاریخی فارسی‌زبانان و ایرانی‌تباران مناطق مزبور بودند. باید گفت که در این زمینه موفقیت‌هایی را هم به دست آوردند و قلب «ایران‌ویج» یعنی سرزمین‌های سمرقند و بخارا را به زیر یوغ ازبکان در آوردند.

دوم، آن‌که لایق شیرعلی از مفاهیم تنگ‌نظرانه فراتر رفته و به «زلال» وحدت‌خواهی و یگانگی جویی و بازگشت به اصل، رسیده است. آن هم در نظامی که اساس سلطهٔ خود را بر تجزیه و زدودن یادمان‌های ملی، خاطره ملی و جعل و تحریف تاریخ گذارده بود.

این دو ویژگی، به شعر لایق شیرعلی نسبت به شاعران ملی‌گرای ایران، افغانستان و... جلوه دیگری می‌دهد. از این روی، شعر لایق، پژواک فریاد مردمی است که پس از گذر سده‌ها، هنوز روزگار وصل را فراموش نکرده‌اند. لایق، با درک ژرف از این خواست توده‌ها، می‌سراید:

تاجک و ایرانی و افغان چرا؟

ما در این دنیا که از یک مادریم^(۲)

لایق شیرعلی، پرده‌های ضخیمی را که حاکمان